

دانشمندان، فرمانداران

شمایل عمر: عمر بلند قامت، اصلح سرخ رو بود و دست چپش نیز مثل دست راست کار میکرد بدینجهت او را ایسر مینامیدند. ریش خود را باخناو رنگ خضاب مینمود دانشمندان زمان او: عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن - ثابت، عبدالله بن عباس، ابوموسی اشعری، ابودرداء و سعید خدری بودند.

فرمانداران زمان قوت او: ابوموسی در بصره، عثمان سعد انصاری در حمص، معاویه بن ابی سفیان در شام، عمرو عاص در مصر، زیاد بن لیبید در یمن، اباهریره در عمان نافع بن حارث در مکه، یعلی بن منیه در صنعاء، حارث بن ابی العاص ثقفی در بحرین و عبدالله به ابی ربیع در چندشاپور بودند. هر وقت که امر و نهی صادر می نمود بغویشان خویش تذکر میداد که شما در اطاعت فرمان من نباید بر مردم پیشی گیرید و در صورت تخلف عقاب شما دو برابر خواهد بود.

وقتی متعه را حرام کرد متوجه شد که ممکن است لشکر بفساد متمایل شود از دختر خود حفصه پرسید که زنان تا چه مدت می توانند بی همسر زیست کنند؟ حفصه اول جواب نداد پس از اصرار گفت چهار ماه، عمر دستور داد لشکریان را هر چهار ماه عوض کرده اجازه دهند برای نزدیکی نزد همسران خود روند.

صاحب تاریخ خلفاء وعده ای دیگر از مورخین عامه نقل می کنند که عباس پس از یکسال و مردی از انصار پس از ده سال و عبدالله بن عمرو بن العاص پس از دوازده سال که از مرگ عمر گذشته بود او را خواب دیدند و پرسیدند بر تو چه گذشت؟ عمر در حالتیکه عرق پیشانی خود را پاک میکرد گفت: هم اکنون از حساب فارغ شده ام. این بود خلاصه ای از تاریخ زندگانی عمر بن خطاب که نگاشته شد.

عثمان بن عفان

نسب: عثمان بن عفان بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف بن قصی بن

کلاب بن کعب بن لوی بن غالب القرشی الاموی

کنیه او ابو عمر ، بعضی گفته اند عبدالله و ابولیلی (در عرب ابو لیلی بکسی که اراده قوی ندارد گفته میشود مانند معاویه بن یزید که خود را از خلافت عزل کرد)

«معاویه بن یزید را باید با اراده ترین افراد دانست که چون خود را لایق جانشینی پیغمبر ندید علی رغم شیطان و اغوای اطرافیان دنیا پرست مسند خلافت را ترک کرد فقیمی»
عثمان در سال ششم عام الفیل متولد گردیده است.

مادر عثمان : اروی دختر کربز بن ربیعۃ بن حبیب بن عبد شمس است و تا خلافت عثمان نیز زنده مانده و عثمان اول خلیفه ایست که در حیات مادر بخلافت رسید . مادر مادر عثمان ام حکیم البیضاء دختر عبدالمطلب دختر عمه رسول خداست .

شما یل عثمان : عثمان نیکو صورت ، سفید پوست ، دارای گونه های سرخ ، قامت متوسط و در صورتش کمی آثار آبله بود استخوان های درشت ، پر گوشت ، شانهای پهن ، ساق های مستبر ، دستهای بلند ، موهای مجعد سر او روی شانها ریخته ، اصلع و ریش بلندی داشت (عایشه عثمان را نعل لقب داده بود . نعل مرد یهودی ریش بلندی بود) دندان های زیبایی عثمان بمیل طلا بسته بود و باوسمه خضاب می کرد .

انگشتی رسول خدا را در انگشت می کرد که پس از شش ماه در چاه افتاد و مفقود گردید لذا انگشتی دیگر در دست نمود که **آهنت بالذی خلق فسوی** بر او نقش بود .

عثمان پس از علی بن ابیطالب و ابی بکر و زید بن حارثه اسلام آورد و اول کسی است که بجهت مهاجرت نمود و چون بمدینه هم هجرت کرد دلدنای گویند صاحب دو هجرت است . عثمان دو بار بدامادی پیغمبر مشرف گردید اول رقیه دختر پیغمبر را بزنی گرفت (بعد از هجرت و قبل از هجرت) .

در جنگ بدر چون رقیه مرگش بود **اذا عثمان نتوا نکت شرکت کند و در روز فتح بدر عثمان رقیه را دفن میکرد . (مورخین عامه می گویند عثمان را پیغمبر از بدر بین شمر دو از غنائم بدر با وسهم داد)**

عثمان در بیعت رضوان حاضر نبود زیرا از طرف رسول خدا بمکه رفته بود و بر اثر همین رسالت است که مورخین عامه می گویند رسول خدا فرمود : دست چپ من دست راست عثمان است و نیز عثمان افتخار می کرد که من دست چپ رسول خدا هستم که با او بیعت کردم **دوم ۴۱ کثوم** دختر دیگر پیغمبر را بزنی گرفت و بدین جهت بنو النورین ملقب گردید . عثمان را از سابقین و اول مهاجرین می دانند و از آن ده نفری می شمارند که پیغمبر به آنان نوید بهشت داد و از آن شش نفری که عمر می گفت پیغمبر از دنیا رفت و از ایشان راضی بود . (عده زیادی هم از مورخین معتقدند که نه تنها پیغمبر از عثمان راضی نبود بلکه او را بجهت آزارهایی که بدختر پیغمبر وارد آورده بود نفرین کرد و نیز عثمان کسی است که با طلحه عهد کرد که چون رسول خدا در گذرد زنان را باز دو اج در آورند .

در تفسیر برهان از طرائف ابن طاوس نقل شده « و من طرائف ما شهدوا علی

عثمان و طلحه ما ذکر السدی فی تفسیره للقرآن فی تفسیر سورۃ الاحزاب فی تفسیر قوله تعالی و ما کان لکم ان توذوا رسول الله ولا ان تنکحوا ازواجه من بعده ابدأ ... الخ قال السدی لما توفي ابو سلمه و حسن بن خدا به و تزوج رسول الله امرتیهما ام سلمه و حفصه قال طلحه و عثمان اینکح محمد صلی - الله علیه و آله نساء نا اذا متنا ولا ننکح نساءه اذا مات ؟ و الله لو قدمات لقد اجلنا علی نساءه بالسهام و کان طلحه یرید عایشه و کان عثمان یرید ام سلمه فانزل الله ما کان لکم ...» برای رعایت ادب از ترجمه آن صرف نظر می شود)

عثمان متکبر بود : در روز حفر خندق هنگامی که عمار یاسر مردانه مجاهدت می نمود و گردو غبار بلند میکرد عثمان بینی خود را گرفت و گفت ما اسلام نیاورده ایم که باهر بی نام و نشانی همدوش باشیم.

سخاوت عثمان : در جنگ تبوک که از او بچنگ عسرت تعبیر شده سیصد شتر بالوازمش عثمان در اختیار رسول خدا گذاشت و هزار دینار هم در دامن پیغمبر ریخت که حضرت فرمود در این معامله عثمان ضرر نکرده است . (طلحه ، زبیر ، عبدالرحمن و سعد نیز در این جنگ پیغمبر را یاری کرده اند).

عثمان در حفر چاه ارومہ با رسول خدا کمک کرد و بدین جهت مورخین عامه میگویند عثمان دو بار بهشت را از پیغمبر خرید.

زره حضرت علی را که هنگام عروسی فروخت عثمان خرید و حضرت علی بر گرداند (شعبان می گویند خریدار زرہ فرشته ای بود که پس از خرید آن را در منزل حضرت انداخت)

حیاء عثمان : منقولست از حسن بصری که حیاء عثمان باندازه ای بود که اگر در اطاق بسته و پرده آویخته می خواست برای شستشو پیراهن خود را در آورد خجالت می کشید عایشه می گوید هر وقت عثمان بر رسول خدا وارد می شد پیغمبر خود را جمع میکرد و میفرمود حیامیکنم از کسیکه ملائکه از حیاء او تعجب میکنند.

روزی که خانه عثمان را محاصره کردند عثمان بر لب بام آمد و چنین گفت : ای مردم شما مبارزه میکنید با من در حالی که من با آن دستی که با پیغمبر بیعت کرده ام هیچگاه عورت خود را نگرفته ام.

عثمان و حدیث : عثمان یکصد و چهل و شش حدیث از رسول خدا نقل کرده و از روایات بشمار می آید و عده ای هم چون انس بن مالک ، زید بن ثابت ، عبدالله بن زبیر و چند نفر دیگر از عثمان روایت میکنند . (نقل از تاریخ خلفاء)